



نوموس^۱، محور مقاومت و نظم منطقه‌ای در غرب آسیا

احمد جاسیز^۲ - دانیال رضاپور^۳

چکیده

از آنجا که جهان اسلام عمق راهبردی انقلاب اسلامی است، حمایت و توجه عمیق و جدی به توسعه نهضت‌های اسلامی در مواجهه با طرح‌های سلطه طلبانه نظام سلطه، ضرورتی راهبردی به نظر می‌رسد. امروزه شبکه‌ای از کنشگران انقلابی در عرصه جهانی، متأثر از این آموزه‌ها و در چارچوب محور مقاومت علیه نظام سلطه فعالیت می‌کنند. علی‌رغم اینکه محور مقاومت به عنوان مفهومی پذیرفته شده در فضای سیاسی همواره محل بحث بوده است اما این محور به عنوان ترکیبی از اتحاد استراتژیک، جامعه امنیتی و شبکه ایده‌آل، با توجه به دیدگاه ضدهژمونیک دیرینه خود در برابر ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای‌اش در غرب آسیا شناخته می‌شود. آنچه این شبکه ائتلاف پیچیده را در کنار هم نگه می‌دارد، یک دیدگاه هنجاری مشترک گسترده از نظم منطقه‌ای است که در گفتمان اعضای محور وجود دارد و توسط میراثی ایده‌آل هدایت می‌شود و از طریق عملکرد فضایی واقعی می‌شود. سؤال پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که چه عواملی باعث تقویت پیوند میان ایران و حزب‌الله و در مجموع محور مقاومت می‌شود؟ فرضیه مقاله بدین شکل مطرح می‌شود که پیوندهای تاریخی- فرهنگی به همراه استفاده هم‌زمان از قدرت هوشمند در غرب آسیا، نه تنها باعث تحکیم روابط میان ایران و جبهه مقاومت و تثبیت نبرد جبهه‌های جنگ شده است؛ بلکه با بهره‌گیری از اصول نوموس (دین، مذهب- قانون- اصول) و مکان‌های کلیدی در جنوب لبنان هم مرز با رژیم صهیونیستی، ج.ا. ایران توانسته‌اند نفوذ راهبردی و بازدارندگی خود را در سطح منطقه‌ای عمق ببخشند. در این مقاله مفاهیم فضایی مقاومت و یاد بودی که دو بازیگر جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله ایجاد کرده‌اند، مورد بحث قرار گرفته است. استدلال ما این است که نوموس (دین، مذهب- قانون- اصول) به عنوان یک ابزار مفهومی جایگزین برای درک مظاهر نظم در کنار رویکردهای جریان اصلی‌تر، کاربرد دارد.

واژگان کلیدی: محور مقاومت، غرب آسیا، ج.ا. ایران، حزب‌الله، نوموس

DOI: 10.2783.4999/PRIW.2306.1262.2.25.4

1 NOMOS

^۲ دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران danyalrezapoor@gmail.com

^۳ استاد مدعو علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران danyalrezapoor@gmail.com

شماره ۲ (۲۵)

سال ۹
تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۳/۲۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۵/۲۴
صص: ۴۱-۶۳



مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید غیردولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) [بالأخص در غرب آسیا] شد. به طوری که پس از وقایع سال ۲۰۱۱ روزنامه‌النهار در گزارشی به نقل از یک کارشناس آمریکایی می‌نویسد: «... ایران امروز بر بغداد و تقریباً نیمی از جغرافیای عراق تسلط کامل دارد... بر پایتخت سوریه، دمشق و حکومت رئیس‌جمهور بشار اسد و نیمی از اراضی سوریه نیز به‌طور کامل مسلط است... [و] به‌واسطه حزب‌الله و همپیمانانش بر لبنان تسلط دارد... از مدتی نه‌چندان طولانی بر پایتخت یمن، صنعاء و نیمی از جغرافیای آن مسلط است... کاملاً روشن است که این نفوذ منطقه‌ای ایران به‌طور جدی آمریکا و برخی از کشورهای را نگران کرده است. این نشان می‌دهد که توانایی ایران برای بستن تنگه‌های حیاتی جهان یعنی «هرمز» و «باب المندب» تا چه اندازه بالاست» (داوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). همچنین پس از یک دهه از قیام‌های عربی، سیاست در سراسر غرب آسیا هم در داخل و هم بین دولت‌ها مورد تنش و مناقشه بوده است. رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و ایران در سراسر منطقه و همچنین دیدگاه‌های رقابتی چالش‌گونه، روابط پیچیده و انعطاف‌پذیری را بین بازیگران در سطوح مختلف در برداشته است. برداشت کنونی دگرگونی و چالش در نظم بین‌الملل فرصت مناسبی را برای تفکر در مورد چگونگی درک دیدگاه‌های مختلف منطقه‌ای از مفهوم چنین تغییری فراهم کرده است. غرب آسیا به‌عنوان اولین منطقه‌ای که این تغییر را تجربه کرد، از طریق کاهش تعامل استراتژیک ایالات متحده و متحدان نزدیک خود و تخاصم ۴۰ ساله با جمهوری اسلامی، عرصه مهمی را برای دیدگاه‌های متضاد درباره آینده این منطقه در پی داشته است. در اینجا، ما می‌توانیم تعدادی از قدرت‌های کلیدی منطقه‌ای و خارجی را مشاهده کنیم که برای شکل دادن به نظم منطقه‌ای جدید از طریق استراتژی‌های قدرت هوشمند با هم رقابت می‌کنند. این رقابت‌ها در پروژه‌های متعدد، از اتحادی‌های نظامی رسمی و صف‌بندی استراتژیک تا تلاش‌ها برای نفوذ و همکاری از طریق روابط اقتصادی، مذهبی و فرهنگی تجلی می‌یابند (Mabon, 2023: 32).

یکی از برجسته‌ترین دیدگاه‌های نظم منطقه‌ای در غرب آسیا به‌وسیله محور مقاومت مشخص می‌شود. محور مقاومت اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبیایی (الزحف

الاخضر) در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج بوش در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، عنوان شد و در آن ذکر شده بود کشورهایی که رئیس‌جمهور آمریکا از آن‌ها به‌عنوان محور شرارت نام می‌برد، در اصل کشورهای «محور مقاومت» در مقابل آمریکا و تلاش برای سلطه‌گری بر سایر کشورها محسوب می‌شوند (عباسی و محمودزاده، ۱۴۰۱: ۵). از این‌رو محور مقاومت به‌عنوان ترکیبی از اتحاد استراتژیک، جامعه امنیتی و شبکه ایده‌آل، با توجه به دیدگاه ضدهژمونیک دیرینه خود در قبال ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن، دلایل قانع‌کننده‌ای را در مورد مسائل نظم منطقه‌ای در غرب آسیا ارائه می‌کند. در حالی که محور مقاومت یک نهاد همگن نیست و شامل پروژه‌ها و منافع سیاسی متعددی است، اما میراث عقیدتی و بینش‌های مشترکی برای چگونگی تحقق تلاش برای نظم منطقه‌ای وجود دارد که فراتر از مرزهای دولتی است. جمهوری اسلامی ایران که قدرت کلیدی در پشت محور است، به‌عنوان یک قدرت متوسط در سطح جهانی عمل می‌کند، در حالی که به دنبال حفظ موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ در خاورمیانه است و از قدرت مذهبی و عقیدتی خود برای حفظ این شبکه اتحاد استفاده می‌کند. اگرچه بسیاری از بحث‌ها حول محور این گروه‌ها بیشتر تأمین منابع مالی از جانب ایران است، اما در واقعیت یک شبکه ائتلاف پیچیده‌تری وجود دارد که می‌تواند این امکان را فراهم کند (Saad, 2019: 650). آنچه این شبکه ائتلاف پیچیده را در کنار هم نگه می‌دارد، یک دیدگاه‌های مشترک گسترده از نظم منطقه‌ای است که توسط میراثی ایده‌آل هدایت می‌شود که در گفتمان بیان می‌شود و از طریق عملکرد فضایی واقعی می‌شود. در جستجوی درک این بینش، از مفهوم «نوموس»، اصول نظم‌دهی اساسی جامعه، به‌عنوان ابزاری برای درک ظهور و بازتولید اتحاد استفاده می‌کنیم که مرزهای ملی، قومی، مکانی و زمانی را می‌گذرانند. با تمرکز بر محور مقاومت، این مقاله به شیوه‌هایی می‌پردازد که مفاهیم فضایی مقاومت توسط بازیگران درون این محور، یعنی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله، به کار گرفته شده است. روایت‌های مقاومت از طریق فضاها و فرهنگ‌های مختلف فرهنگی و یادبودی که هر دو بازیگر در کشور ایجاد کرده‌اند، بیان می‌شود. دو مکان کلیدی در جنوب لبنان، موزه ملیتا حزب‌الله و پارک ایرانی واقع در مرز با اسرائیل، به‌عنوان «مکان‌های مقاومت» معرفی شده‌اند. این فضاها هستند که عناصر فراملی، ملی، محلی و ایده‌آل با هم ترکیب می‌شوند تا روایت مقاومتی را ارائه دهند که پیامدهای مهمی برای درک نظم منطقه‌ای دارد. در اینجا، می‌توانیم چشم‌اندازی از

نظم را مشاهده کنیم که از طریق اشکال تولید فرهنگی، دیپلماسی و تبادل فرهنگی و گردشگری میراث «واقعی» می‌شود.

با توجه به مباحث فوق و از دیدگاه متمایز سؤال پژوهش این گونه مطرح می‌شود که چه عواملی باعث تقویت پیوند میان ایران و حزب‌الله و در مجموع محور مقاومت می‌شود؟ استدلال نویسندگان این است که پیوندهای تاریخی- فرهنگی به همراه استفاده هم‌زمان از قدرت هوشمند در غرب آسیا، نه تنها باعث تحکیم روابط میان ایران و جبهه مقاومت و تثبیت نبرد جبهه‌های جنگ شده است؛ بلکه با بهره‌گیری از اصول نوموس (دین، مذهب- قانون- اصول) و مکان‌های کلیدی در جنوب لبنان هم‌مرز با رژیم صهیونیستی، ج.ا. ایران توانسته‌اند نفوذ راهبردی خود را در سطح منطقه‌ای عمق ببخشند. به منظور تبیین ادعای مذکور، مقاله بعد ارائه مختصری از ادبیات تحقیق به چند بخش تشکیل می‌شود؛ در بخش اول، مفهوم نوموس و ریشه‌های تاریخی- فلسفی آن بررسی می‌شود تا خوانندگان با چرایی مفهوم نوموس آشنا سازد در بخش دوم و سوم به ارزیابی نظم منطقه‌ای غرب آسیا و عملکرد ج.ا. ایران در این منطقه پرتلاطم در قابل محور مقاومت اختصاص می‌یابد و در بخش پایانی به ژئوپلیتیک مقاومت اختصاص می‌یابد که بدین وسیله از طریق‌های مکان‌های یاد شده روند مقابله محور مقاومت با رژیم صهیونیستی را از مبنای فرهنگی به تصویر می‌کشد.

۱- پیشینه پژوهش

در حوزه محور مقاومت، پژوهش‌های متفاوت داخلی و خارجی انجام شده است که به‌طور کلی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه را می‌توان در بخش تقسیم‌بندی کرد:

بخش اول پژوهش‌های هستند که دیدگاهی نظری به مفهوم مقاومت دارند (Malmvig, 2015: Ostovar, 2017: Hazbun, 2018: Akbarzadeh, 2019: Beck and Richter, 2020: افتخاری ۱۳۹۹: مهدی پور، ۱۳۹۸):

بخش دوم پژوهش‌هایی با ماهیت انضمامی هستند که نقش مقاومت در حوزه امنیت و سیاست خارجی را بررسی کرده‌اند (Wastnidge & Mabon, 2023: Larkin & Davies) Mabon, 2019: Wastnidge, 2011: Alagha, 2016: عباسی و محمودزاده، ۱۴۰۱: باقری نژاد و قاسمی، ۱۴۰۱):

از این رو گرچه پژوهش‌های بسیاری به موضوع تقابل محور مقاومت اسلامی و محور محافظه کار غربی پرداخته‌اند، لیکن اهمیت و ضرورت مقاله حاضر با نگاهی متفاوت، پیرامون مکان‌های فضایی فرهنگی به وجود آمده در جنوب لبنان با استفاده از مفاهیم نوموس در مقابله با استکبار و نفی سلطه بر اساس مقاومت اسلامی است؛ همچنین درک خطراتی که معلول رفتار زیادی خواه نظام سلطه می‌باشد و فهم پیامدهای که این تحولات بر آینده ژئوپلیتیک محور مقاومت خواهند داشت، متمرکز است.

۲- چارچوب مفهومی

نوموس در لغت به معنای عادت، رسم، قانون و فرمان است. سنگدهی به نقل از تیلور می‌گوید: «نومیزین به معنای حفظ کردن، دریافتن، باور کردن و... است. می‌توان گفت نوموس هنجار است یا به نحوی اخص قانون که از معنای اصلی عرف و سنت ناشی می‌شود» (سنگدهی، ۱۳۹۶: ۴). به دیگر سخن، نوموس هم معنای توصیفی دارد و هم معنای تجویزی و فارغ از خاستگاهش که می‌تواند خدایان، قانون‌گذار یا مصوبه‌ای با رأی همگان باشد، به‌عنوان هنجاری معتبر در طول قرن‌ها شناخته و تصدیق شده است. آنچه نوموس را برای استفاده در ادبیات سیاسی آماده می‌کند، سویه تجویزی آن است. نوموس صرفاً امر معتبر نیست، بلکه امری است که اعتبارش از سوی همگان تصدیق شده و پذیرفته می‌شود. دلالت‌های گوناگون نوموس را می‌توان به دو گروه معنایی تقسیم کرد. در گروه نخست، نوموس به سامان‌ها، قاعده‌ها و هنجارهای زندگی به‌طور کلی اشاره دارد. در گروه دوم این سامان‌ها و هنجارها به گستره کوچکتری محدود می‌شود. در دسته اخیر، نوموس به قواعد لازم الرعایه، آداب و رسوم، عرف یا مناسک مذهبی گوناگون یک قوم، قبیله، شهر یا کشور خاص دلالت دارد. افزون بر این، نمونه‌هایی در ادبیات نوموس-فوسیس نیز هست که نوموس را سامان زیست سیاسی قلمداد می‌کند. در این کاربرد از نوموس با معنای محدودتری از هنجارهای معتبر زیست سیاسی مواجهیم که بخشی از نوموس کلی را که پیش از این برشمردیم، توصیف می‌کند. توسودیدس، در تاریخ جنگ پلوپونزی، بارها نوموس را در معنای قاعده هنجارین جنگ به کار می‌گیرد. برای نمونه آنجایی که تیبی‌ها می‌پذیرند که این قاعده (نوموس) است که در میدان جنگ دشمنان یکدیگر را می‌کشند، اما آن‌ها به این اعتراض دارند که کشتار زندانیان جنگ، شکستن

قاعده (نوموس) است. یکی از مشهورترین فقرات جنگ پلوپونزی گفتگوی آتینان با مردم شهر ملوس است. آتینان برای توجیه زورگویی‌شان به مردمان ملوس این چنین استدلال می‌کنند که هم خدایان و هم انسان‌ها به هر آنچه تحت تسلط و استیلا خود داشته باشند حکم می‌رانند و این نوموس است. حتی در کتاب سوم جنگ پلوپونزی، آنجا که تیب‌ها سعی دارند نشان دهند شهرشان مستوجب نکوهش برای همکاری و همدستی با ایرانیان نیست، چنین می‌گویند: «به یاد دارید که در آن زمان ما چگونه شهر سامانی داشتیم، شهر به دست گروهی کوچک از مردمان مقتدر بود و این شیوه حکومت چندان فرقی با حکومت استبدادی نداشت، چراکه نوموس در شهر فرمان نمی‌راند» (آذرفزا و صفری، ۱۳۹۲: ۷-۸).

یونانیان باستان برای همه این مقولات معنایی از همان لفظ نوموس استفاده می‌کردند. بنابراین بر پژوهشگر اندیشه و فلسفه سیاسی باستان فرض بوده است که برای رسیدن به مدلول سیاسی نوموس در معنای قانون نهاده این بی‌راه دراز را بیسماید تا به درونه مفهوم قانون پی ببرد. نوموس در این دسته به قواعد و قوانینی اشاره دارد که به واسطه آن زیست عمومی در شهر به‌عنوان یک نظام سیاسی به سامان می‌شود. نوموس وقتی برای نخستین بار در معنای قانون نهاده به کار می‌رود همچنان معنایی سابقش را نیز به همراه دارد. به دیگر سخن، مفهوم قانون نهاده که بر سازنده شهر سامانی آتینان است - مجموعه‌ای از احکام و ۷۹ شهر سامانی دستورات که تعیین‌کننده‌ی وظایف فرمانروایان، انجمن ملی و شورای شهر، همچنین مشخص‌کننده حقوق و وظایف شهروندان است - همچنان در معنای رسم، عرف، دستورات و مناسک دینی به کار می‌رود. چنان‌که پیشتر نشان دادیم تا پیش از سده پنجم پ.م. نوموس در معنای سیاسی و قضایی و به‌طور مشخص در معنای قانون نهاده به کار نمی‌رفت. در جمهوری و قوانین هر دو، افلاطون برای برپا کردن شهر خیالی‌اش از نوموس در معنای قوانین بنیادگذار شهر یاد می‌کند.

بنابراین مقولات معنایی نوموس نشان‌دهنده این واقعیت است که ایده‌ی بنیادینی پس‌پشت این واژه قرار دارد که هر کدام از این دلالت‌ها و کاربردها تجلی‌گاه آن ایده است: نوموس در تمامی این معانی، به «سامانی» اشاره دارد که تمام کسانی که تحت آن قرار دارند آن را عموماً معتبر و الزام‌آور می‌دانند، یا باید بدانند. این افراد معمولاً نوموس را بی‌چون و چرا می‌پذیرند و توافقی کلی بر سر آن دارند. مقوم اصلی مفهوم نوموس، توافق است. چنان‌که نشان دادیم این نظم و سامان را

می‌توان در دودسته معنایی کلی تقسیم‌بندی کرد. در دسته نخست، نوموس به سامان زیست انسانی، سامان به هنجار چیزها، روندهای به هنجار و رفتار به هنجار و قاعده‌مند باز می‌گردد. در همین دسته دیدیم که نوموس گاهی در معنای مرجعیتی که هنجار و قاعده از آن نشأت می‌گیرد، به کار برده می‌شود. در دسته دوم، نوموس قوام بخش قواعد لازم الرعایه زیست عمومی در شهر است: آداب‌ورسوم، عرف، دستورات و باورها و مناسک دینی و درنهایت قانون نهاده (آذرفزا و صفری، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۸).

این مقاله به‌عنوان ابزاری برای برجسته کردن این جنبه نسبتاً ناشناخته نظم، ایده نوموس را به‌عنوان وسیله‌ای برای درک روش‌هایی که نظم در سراسر زمان و مکان طنین‌انداز می‌کند و شکل می‌دهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مرکزیت مفهوم نوموس به روش‌هایی اشاره شده است که در آن زندگی مطابق با مجموعه‌ای از اصول منظم سازماندهی می‌شود که ممکن است شامل مواد و ایده‌ها در تلاش برای شکل دادن عملکردی به زمان و مکان باشد و از طریق توسل به یک روش بیشتر، تقسیمات مشترک موجود را قطع کند. نیروی متحد‌کننده قدرتمند این مفهوم که در یونان باستان به‌عنوان اصطلاحی برای نشان دادن قانون یا عرف سرچشمه می‌گیرد، در سال‌های اخیر در فلسفه سیاسی به‌عنوان ابزاری برای درک نظم اساسی سیاست جهانی مورد توجه قرار گرفته است. محققانی مانند کارل اشمیت، پیتر برگر و رابرت کاور همگی از مفهوم نوموس استفاده کرده‌اند. به دنبال کار برگر و کاور، ما از مفهوم نوموس برای بررسی پیدایش یک بینش هنجاری جایگزین از نظم محور مقاومت استفاده می‌کنیم. ایده نوموس در روابط بین‌الملل به‌طور سنتی به‌عنوان ریشه‌دار شدن قانون در سرزمین درک می‌شود که یک ویژگی فضایی به قانون اضافه می‌کند. کارل اشمیت حقوقدان آلمانی در کتاب «ناموس زمین» خاطرنشان می‌کند که «تخصیص زمین، قانون پایه‌گذاری اولیه است» که ما را به آغاز زندگی سیاسی بازمی‌گرداند و از «رابطه اولیه قانون با زمین» نام می‌برد. هانا آرنه با ارائه خوانشی ظریف‌تر از اشمیت، پیشنهاد می‌کند که نوموس از نظر قدمت با بنیاد پولیس همتراز است (Schmitt, 2003:42).

نوموس باید هم‌زمان به‌عنوان عینی و ذهنی وجود داشته باشد تا امکان ظهور تفاسیر و هویت‌های مختلف را فراهم کند و همچنین می‌تواند به‌عنوان عرصه‌ای در درون بازیگران باشد که در آن هویت خود را در گفتار و عمل انجام دهند. با بازگشت به آرنه، ما شاهد حمایت از چنین موضعی هستیم،

جایی که او استدلال می‌کند که جهان از طریق تعامل مردم، در قالب رابطه دیالکتیکی معنا می‌یابد. علاوه بر این، همان‌طور که جهان از طریق تعامل معنا می‌یابد، نوموس نیز چنین است. نوموس به تنظیم فضا به‌عنوان یک شرط ضروری (همسنگی) برای سازمان‌دهی سیاسی و به‌عنوان ظرفی متفاوتی برای به تصویر کشیدن هویت‌ها، ایدئولوژی‌ها، تاریخ و حافظه در مرزهای فضایی توجه دارد. پس نوموس یک نظام است که در آن تمام فعالیت‌های یک جامعه جمع‌بندی و هماهنگ می‌شود. اینجاست که ما باید به درک متعارف از نوموس توجه کنیم تا بقایای تاریخ را متوجه شویم، جایی که تجارب منطقه‌ای استعمار، عرب‌گرایی و اسلام‌گرایی بر حاکمیت فضایی تأثیر می‌گذارد و مردم را مجبور می‌کند به شیوه‌ای خاص رفتار کنند (Arendt, 1998: 21). البته، نوموس را می‌توان با برنامه‌ها و تفاسیر هژمونیک شکل داد تا امکان ایجاد پارادایم‌های رفتاری جدیدی را فراهم کند تا زندگی را به شیوه‌ای خاص شکل دهد. چنین پیش‌بینی ممکن است به‌طور هم‌زمان یک جامعه را متحد و تقسیم کند که در آن خلقت پارادایمیک بلافاصله بین افرادی که مفهوم را به روش‌های مختلف تفسیر می‌کنند، تقسیم‌بندی ایجاد می‌کند. ایجاد یک پارادایم و ایجاد وحدت در درون آن، فوراً با شکاف‌هایی که در مورد اجرا و معنای واقعی آن پدید می‌آید، سقوط آن را به همراه می‌آورد. این روند دائمی تفسیر و مذاکره چیزی است که نوموس را ایجاد می‌کند. از این طریق است که زندگی معنا پیدا می‌کند و زمینه و توجیهی برای عمل فراهم می‌شود. در اسلام، این مقررات و معنا توسط قرآن، سنت، حدیث و در صورت لزوم، فتوا ارائه شده است.

مشروعیت از منظر نوموس برای استقرار یک پارادایم مسلط کلیدی باقی می‌ماند، جایی که روایات و اسطوره‌های برآمده از هرج و مرج باید در نوموس کشش پیدا کنند. چنین کششی اغلب از طریق ادعاهای قوی‌تر برای مشروعیت یا اقتدار یافت می‌شود، اما می‌تواند از طریق موقعیت هژمونیک نیز ایجاد شود. چنین موقعیت هژمونیک ممکن است توسط بازیگرانی فراتر از نوموس تضمین شود که از کسانی که در داخل نوموس عمل می‌کنند، حمایت می‌کنند. جایی که برنامه‌های سیاسی توسط برنامه‌های منطقه‌ای حمایت می‌شود. در ادامه، ما به دنبال نشان دادن این موضوع هستیم که تلاش‌ها برای پرورش وفاداری جمعی در میان تفاوت‌های عمیق اجتماعی، از طریق قرار دادن تلاش‌های گفتمانی در درون شیوه‌های سیاسی، الهیاتی و فضایی که به گفتمان معنا می‌بخشد، کشش پیدا می‌کند. چنین رویکردی مستلزم فراتر رفتن از یک تحلیل گفتمانی ساده‌گرایانه است تا به

روش‌هایی که چنین دیدگاه‌هایی از نظم واقعی می‌شوند، نگاهی بیندازیم. با این حال، چنین دیدگاه‌هایی در داخل مرزهای دولتی محدود نمی‌شوند، بلکه در درون تحولات منطقه‌ای وسیع‌تر و یک چشم‌انداز مشترک از نوموس قرار دارند (Wastnidge & Mabon, 2023: 14). با این حال، تجلی چنین دیدگاه‌هایی از نوموس به شکل فضایی، سؤالات بیشتری را در مورد راه‌هایی که چنین نظم‌هایی می‌توانند از مرزهای دولتی عبور کنند، ایجاد می‌کند. این نکته ذاتی اندیشه ابن‌خلدون است که اهمیت دین و سنت را در نظم بخشیدن به زندگی، البته فراتر از محدوده نظم وستفالیایی مطرح می‌کند. دیدگاه‌های معاصر از نوموس - مانند آنچه فیلسوف ایتالیایی جورجیو آگامبن ارائه کرده است، به گونه‌ای تعریف می‌کند که به قدرت و فضای حاکمیتی اشاره دارد. همان‌طور که خواهیم دید، حضور یک نوموس مشترک فراتر از ایجاد اتحاد است و همچنین منجر به واقعی شدن یک دیدگاه جایگزین از نظم می‌شود.

۳- ارزیابی نظم منطقه‌ای در خاورمیانه

مسئله نظم منطقه‌ای و تأثیرات بی‌شماری که بر آن شکل می‌دهد و تأثیر می‌گذارد، از دیرباز مورد توجه محققانی بوده است که سیاست و روابط بین‌الملل خاورمیانه را از ملاحظات سیستمی گرفته تا هویتی مورد بررسی قرار داده‌اند. علاوه بر این، کار گسترده‌ای که به اصطلاح فرقه‌ای کردن سیاست منطقه‌ای را مورد بررسی قرار داده است، پیامدهای مهمی برای درک ما از نظم ارائه می‌کند. مفروضات بدوی مبنی بر تأثیر تغییرناپذیر فرقه‌ای بر نظم منطقه‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌ای طنین‌انداز شده است و به‌عنوان توضیحی برای نحوه عملکرد ایران و متحدانش ذکر می‌شود. با این حال، تحلیل‌های جایگزین به دنبال ترسیم مسیری میانی بوده‌اند که از گرایش‌های اساسی‌سازی موارد فوق اجتناب می‌کند، در حالی که درک ابزاری‌تر رویکرد فرقه‌گرایی را نیز تصدیق می‌کند (Malmvig, 2015: 34). علاوه بر این، مسائل سیستماتیک گسترده‌تر، به‌ویژه کاهش قدرت ایالات متحده در منطقه و نقش فزاینده چین، شروع به ایفای نقش کرده است. احساس کاهش هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه به‌عنوان ایجاد شرایط برای افزایش مداخلات نظامی توسط بازیگران منطقه تلقی می‌شود. بنابراین، این نظم منطقه‌ای در حال تغییر تحت تأثیر تغییر اولویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده و پادشاهی‌های عربی است، نتیجه چنین وضعیتی آن چیزی است که

بک و ریشر آن را «سیستم چندقطبی به شدت مورد مناقشه در جریان» می‌نامند (Beck and Richter, 2020: 19). این تلاقی از مسائل مادی و عقیدتی فراتر می‌رود و مرزهای دولتی را فراتر می‌برد و سؤالاتی را در مورد اولویت دولت‌ها، هویت‌های مذهبی، بازیگران خارجی و غیره ایجاد می‌کند. با این حال، مسئله چگونگی تجلی دیدگاه‌های هنجاری جایگزین به ندرت فراتر از برجسته کردن گفتمان‌ها یا تشکیل اتحاد در پاسخ به تغییرات مختلف است که اغلب در سطحی از انتزاع از تظاهرات واقعی «روی زمین» کار می‌کند. ما معتقدیم که این مقاله و بینش مفهومی ارائه شده توسط ایده نوموس امکان درک کامل‌تر از اینکه چگونه نظم را می‌توان تصور و در نهایت از فضا استفاده کرد، می‌دهد.

۳-۱- ایران، محور مقاومت و نظم منطقه‌ای

محور مقاومت شکل منحصر به فردی از شبکه چندجانبه است که دارای اهداف راهبردی بسیار مستحکمی است و همواره دغدغه دفاع از ایران و متحدانش را دارد. اتحاد بین اعضای اصلی آن ایران، به ویژه حزب الله و سوریه، سابقه طولانی دارد و در ابتدا ریشه در ملاحظات دفاعی و مقاومت آن‌ها در برابر اسرائیل و حمایت از آرمان فلسطین داشت. همچنین بر اساس دکترین موازنه قوا منابع (ایدئولوژیک، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) به طور نسبی می‌توانند در تعیین جایگاه بازیگران منطقه‌ای در مواجهه با قدرت‌های بزرگ در عرصه بین‌الملل نقش مهم و تعیین کننده‌ای ایفا کنند. از این منظر در میان شیعیان لبنان و ج.ا. ایران زمینه‌ها و شاخص‌های مشترک سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هویتی و امنیتی وجود دارد که در معادلات منطقه‌ای، وزن استراتژیک و کنشگری قابل توجهی به آن‌ها بخشیده که در نتیجه منجر به شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی گردیده است و از این طریق توازن قدرت در منطقه در مقابل کشورهای معاند با جبهه مقاومت ایجاد شده است که در ادامه، نگاهی اجمالی به موضع ایران در مورد مسائل نظم منطقه‌ای و بین‌المللی از زمان انقلاب و لبنان به عنوان محلی مهم از محور مقاومت و چگونگی بیان مفاهیم مقاومت در سطوح مختلف را بیان می‌کنیم.

۳-۱-۱ ایران و نظم بین‌المللی

از زمان انقلاب، ایران به دنبال ارائه دیدگاهی جایگزین از نظم بین‌الملل بوده است که تا حدی از تجربه خود به عنوان یک کشور انقلابی و همچنین بر برداشت‌هایش از بی‌عدالتی در نظام بین‌الملل

تکیه داشته است. از ایده عدالت برای ارائه آنچه دکتر مشیرزاده به عنوان «فراگفتمان» تعریف می کند در سیاست خارجی ایران استفاده می شود و به آن معنا می بخشد. کلید این امر مبارزه با ظلم از طریق مفهوم جانبداری از مظلوم (مستضعفین در گفتمان انقلابی جمهوری اسلامی) است، چیزی که بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد و در طول چهار دهه گذشته در سیاست خارجی ایران اعمال شده است. این امر در نفی کامل جهت گیری آمریکاگرایانه رژیم قبلی و از طریق حمایت فعال از گروه های مختلفی که با آن ها در سیاست جهانی آرمان مشترک پیدا می کرد، آشکار شد. این به شکل اولویت دادن به حمایت از شیعیان در بحرین، عراق و لبنان، تعهد به آرمان فلسطین و شناسایی گسترده با نیروهای ضد هژمونیک بود که به دنبال به چالش کشیدن اولویت نظم بین المللی لیبرال به رهبری ایالات متحده بودند. علی رغم اولویت های متفاوت دولت های متوالی ایران در طول سال ها، این علل همچنان محور سیاست خارجی و جهان بینی جمهوری اسلامی است و ایران با گروه هایی که این دیدگاه ها را دارند، اتحاد ایجاد کرده است (Goodarzi, 2009: 32).

اگرچه چنین عملکردی از دولت ایران با مذهب و تفاسیر ایدئولوژیک آن در مورد نظم بین الملل آمیخته می شود، اما توسعه این شبکه از اتحادها توسط ایران هدفی عملی نیز در دل خود دارد زیرا چشم انداز مقاومت ایران بخشی از طرح عمق استراتژیک آن در منطقه را تشکیل می دهد، چیزی که برای امنیت آن حیاتی تلقی می شود و به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر دشمنانش عمل می کند. در هر دو سطح عملی و بلاغی، این به عنوان دلیل تهران برای حضور و نفوذش در سوریه، عراق و حمایت مستمر از آرمان فلسطین عمل می کند. در مورد اول، این باعث شده است که این محور نقش خود را از محوری که عمدتاً بر اسرائیل و متحدان غربی آن متمرکز است، به محوری که حول محور مبارزه با «افراط گرایی» گروه هایی مانند داعش شکل می گیرد، توسعه دهد و از آن به عنوان حمایت رقبای منطقه ای یاد کند. در مورد دوم، به ایران و متحدانش این امکان را داده است که از گروه هایی از جمله حماس، جهاد اسلامی و جبهه مردمی برای آزادی فلسطین حمایت کنند که تهران همه آن ها را به عنوان بخش کلیدی این محور می داند. در واقع، حضور اسماعیل هنیه از حماس، زید النخاله از جهاد اسلامی و شیخ نعیم قاسم از حزب الله در صف اول مراسم تحلیف ریاست جمهوری آقای رئیسی در تهران، نشان دهنده تقویت جایگاه این متحدان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

۳-۱-۲- لبنان به‌عنوان مکانی برای مقاومت

حزب‌الله لبنان تا به امروز مهم‌ترین و برجسته‌ترین عنصر مقاومت جمهوری اسلامی در منطقه می‌باشد. اهمیت حزب‌الله برای ایران، در واقع با گذشت زمان، افزایش یافته است؛ زیرا این گروه نه تنها خطوط مقدم در نبرد با رژیم را مدیریت می‌کند، بلکه تقریباً دو دهه است که به سپاه قدس برای بسیج، آموزش و رهبری متحدان در سوریه، عراق و یمن کمک می‌کند. موقعیت بارز سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله نیز موجب شده است حزب‌الله به شریک راهبردی سپاه قدس در رهبری محور مقاومت تبدیل شود. حزب‌الله علاوه بر اینکه در دو دهه گذشته فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را در لبنان گسترش داده و پایگاه قدرتمندی در این کشور یافته است، از سال ۲۰۱۱ هزینه حضور نظامی ایران در سوریه را کاهش داده است. این گروه از مقاومت توانسته است از سال ۲۰۱۱ نیز به‌طور فزاینده‌ای نیروهای خود را به عراق و یمن اعزام کند و بدین ترتیب به یک واسطه مهم‌تر برای ایران و اعراب تبدیل شد. زبان و فرهنگ مشترک میان حزب‌الله و سایر نیروهای مقاومت در کشورهای عربی، آموزش نظامی و عقیدتی حزب‌الله به عراقی‌ها، سوری‌ها، یمنی‌ها و سایر عرب‌ها به نمایندگی از سپاه پاسداران حتی حضور در جنگ در کنار آن‌ها را آسان‌تر کرد. اهمیت این موضوع در اوایل درگیری در عراق آشکار شد، جایی که از سال ۲۰۰۳، سپاه قدس به گروه‌های شیعه دستور داد تا با نیروهای اشغالگر آمریکایی مبارزه کنند و شواهدی از حضور فرماندهان حزب‌الله وجود دارد. در دهه ۲۰۱۰ نیز نشانه‌هایی مکرری از حضور حزب‌الله در عراق مشاهده شد. علاوه بر این حضور نیروهای حزب‌الله در یمن اهمیت خاصی داشته است. از سال ۲۰۱۵ آن‌ها به نیروهای مقاومت حوثی مشاوره می‌دهند و به آن‌ها در استفاده از موشک‌های پرتابشی، موشک‌های کروز و پهبادهای ارائه شده ایران کمک می‌کنند (خواجه سروری و سوری، ۱۴۰۱: ۹-۱۰).

حزب‌الله لبنان به علت ظرفیت بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی و احیای کربدور نفوذ ایدئولوژیکی-ژئوپلیتیکی در شرق مدیترانه برای ایران اهمیت دارد. از این رو حزب‌الله در میان شبکه مقاومت بیشترین پیوندهای اعتقادی و راهبردی با ج.ا. ایران دارد. حزب‌الله بعد از دستاوردهای میدانی قابل توجه در جنگ ۲۰۰۶ با رژیم صهیونیستی، نفوذ فزاینده‌ای در ساختار دولت و پارلمان لبنان پیدا کرده است. در سطح راهبردی، اهمیت حزب‌الله در نفوذ منطقه‌ای ج.ا. ایران متأثر از دو کارکرد ویژه است؛ نخست افزایش ظرفیت بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی؛ دوم، عملکرد

حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک نیروی اعزامی ارتش مقاومت برای حضور در مناطق جنگی و آموزش سایر نیروها، نقش آفرینی فعال حزب‌الله در حفظ دولت بشار اسد و آموزش نیروهای مقاومت سوری باعث شده تا امام خامنه‌ای مدیریت راهبردی محور مقاومت در سوریه را به سید حسن نصرالله احاله کند. این گروه ۴۵ هزار نفره به بازوی عملیاتی ج.ا. ایران در مرزهای شامات و شرق مدیترانه تبدیل شده و نقش کلیدی در سیاست موازنه سازی ج.ا. ایران در برابر محورهای رقیب بازی می‌کند. همچنین نفوذ شاخه نظامی حزب‌الله به‌واسطه مشارکت در درگیری‌های غرب آسیا از جمله سوریه و یمن و افزایش قدرت بازدارندگی آن‌ها به‌واسطه افزایش توان موشکی - پهبادی در سال‌های اخیر گسترش یافته است (وزیریان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲). همان‌گونه در مطالب فوق بیان کردیم ج.ا. ایران با کمک حزب‌الله توانسته است جبهه دومی را در امتداد مرز جولان در سوریه علیه رژیم صهیونیستی باز کند که بخشی از موشک‌های جدید در امتداد آن قرار داشت. چنین جبهه دومی برای حزب‌الله و ایران در آینده این مزیت را خواهد داشت که آن‌ها بتوانند تعداد سکوها‌های پرتاب و موشک‌های را که به سمت اسرائیل نشانه رفته‌اند، افزایش دهند که به‌طور قابل توجهی تهدید علیه این رژیم را افزایش می‌دهد.

۴- ژئوپلیتیک مقاومت: بین‌المللی و محلی

طبیعتاً سؤالات پیرامون نظم بین‌المللی و منطقه‌ای تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی در سراسر غرب آسیا از زمان قیام‌های عربی بوده است. ظاهر نظم منطقه‌ای با بی‌ثباتی گسترده منطقه‌ای و مداخلات بعدی در نتیجه ظهور دیدگاه‌های رقابتی نظم پس از ۲۰۱۱ جایگزین شد. روایت ایرانیان از محور مقاومت، یکی از ائتلاف‌هایی است که از پیوندهای فکری قوی و نگرانی‌های امنیتی مشترک بازیگران مختلف آن به وجود آمده است و این روایت پیامدهای مهمی برای بحث پیرامون حرکت به‌سوی نظم جهانی چندقطبی و خروج آمریکا از منطقه غرب آسیا دارد. برای این محور، بخش مهمی از امنیت هستی‌شناختی آن البته ناشی از موقعیت آن در برابر منافع آمریکا در منطقه است، با این حال، جنبه دیگر آن ماهیت چندوجهی آن است که فراتر از جنبه‌های صرفاً مادی یا عقیدتی است. این امر بر مفهوم «شبکه‌ای» شامل: یک شبکه ایده‌آل و گاهی مذهبی، یک اتحاد استراتژیک و حضور در زندگی روزمره از طریق تولید فرهنگی و فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی

اشاره دارد. این موارد آن زمان که با دیگر نیروهای ضدهژمونیک در سیاست جهانی همانند آمریکای لاتین، یا با روسیه و چین ارتباط برقرار می‌کنند نمو بیرونی و شبکه‌ای می‌یابد. ماهیت رقابت بین‌دولتی و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای در خاورمیانه، به‌ویژه وقتی که به نیروهای اصلی آن یعنی ایران و عربستان سعودی می‌رسد، حاد می‌شود. در قلب این رقابت، دیدگاه‌های متضاد درباره سازماندهی سیاست منطقه‌ای وجود دارد - به‌طور گسترده بین دیدگاه محافظه‌کارانه عربستان سعودی و دیدگاه انقلابی ایران - و فضایی سازی این دیدگاه‌های رقیب بازتاب‌های جدی برای مردم سراسر منطقه پدید می‌آید. در مورد لبنان، می‌توان مشاهده کرد که چگونه این رقابت به‌ویژه در سیاست داخلی آن تجلی یافته است، همان‌طور که در تلاش‌های مختلف برای شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر تعادل ظریف منافع در آنجا در دوران پس از طائف دیده می‌شود. این دسترسی و عضویت گسترده از طریق بیان یک چشم‌انداز خاص و جایگزین نظم نسبت به آنچه که نقش سازمان‌دهنده در سراسر سیاست منطقه‌ای ایفا می‌کند، تضمین می‌شود. در واقع، این محور چیزی شبیه به یک دیدگاه یا پروژه هنجاری برای نظم منطقه‌ای ارائه می‌دهد که بر اساس اشتراکات ایده‌آلی و درنهایت نگرانی‌های سیاسی در میان تعدادی از بازیگران است. اساس این امر، بیان یک سیاست خارجی پیچیده است که زیربنای تلفیقی از تحرکات امنیتی، عقیدتی، فرهنگی و سیاسی توسط ایران و متحدان محور مقاومت انجام می‌شود و بر تضمین ارتباط مستمر آن با نظم منطقه‌ای و در واقع گسترده‌تر بین‌المللی تأکید دارد. با این حال، تقلیل محور به جنبه‌های مادی یا فکری آن، تنها بخشی از داستان را بیان می‌کند. همچنین ایده‌ای است که در استفاده‌های مختلف از فضا وجود دارد و از طریق عملکرد و یادبود (باز) ساخته می‌شود که به یکباره با فضای محلی و ژئوپلیتیک صحبت می‌کند.

نزدیکی سرزمین‌های اشغالی به جنوب لبنان نه‌تنها از نظر درک متعارف ژئوپلیتیک منطقه‌ای قابل توجه است، بلکه ایده‌های مربوط به بی‌عدالتی که ریشه در تشیع دارد، منجر به شناسایی قوی فرهنگ جنوب لبنان با آرمان فلسطین شده است. هم مرز بودن با فلسطین احتمالاً نقشی کلیدی در شکل‌گیری هویت حزب‌الله بازی کرده است و این از طریق اشکال مختلف فعالیت فرهنگی همانند پارک ایرانی جایی که مضامین پیرامون مبارزات فلسطینی غالب است تقویت می‌شود. موضوعی که بعداً در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد. سایت‌هایی مانند پارک ایرانی و ملیتا نشان می‌دهند که

چگونه جغرافیای این بخش از لبنان با چندین بازیگر فراملی و منطقه‌ای در هم تنیده شده است و محلی را در منطقه‌ای و منطقه‌ای را در محلی قرار می‌دهد. تاریخچه درگیری‌ها نشان می‌دهد که مرزهای نمادین و نقاط گسست فضایی چنین مکان‌هایی نیز به معنای عاطفی مهم هستند (Larkin & Davies, 2021: 84). توجه به این تنش‌ها را می‌توان از طریق تأمل در ادعاهای متقابل نظم برای نگاه کردن به روابط بین حاکمان و مردم که در چارچوب استقرار شهر بر روی یک محیط هنجاری پیچیده که در آن قدرت در محدوده‌ای از مکان‌ها قرار دارد، بررسی کرد. محور این ایده نوموس است. ایده نوموس که به‌طور جدایی‌ناپذیری با ایده‌های حقوق از طریق معناشناسی و سیاست پیوند خورده است، ایده‌ای است که به روش‌های بی‌شماری توسط محققان طیف وسیعی از رشته‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این مفهوم اساساً به چارچوب‌بندی، مکان و سازمان‌دهی موجودیت انسانی، سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود، اما چنین مشاهداتی در قالب‌های مختلف رخ می‌دهد که با تفاسیر رقابتی از نظم، از حاکمیت هنجارها و شیوه‌ای که در آن قدرت حاکم بر آن تأثیر متقابل دارد، شکل می‌گیرد. برای درک اینکه این مفهوم چگونه با تحقیق ما ارتباط دارد، اجازه دهید، این مقاله از منشور مفهومی نوموس برای بررسی دو مطالعه موردی تجربی استفاده می‌کند که در آن دیدگاه ایران و محور مقاومت از نظم به لحاظ فضایی، واقعی می‌شود.

۴-۱- مکان‌های مقاومت: مورد لبنان

این بخش زمینه‌ای تجربی برای کاوش در بیان روایت‌های مقاومت از طریق فضاهای مختلف فرهنگی و یادبود در لبنان را ارائه می‌کند. در اینجا، ما مقاومت را چشم‌اندازی از نظم می‌بینیم که از طریق اشکال تولید فرهنگی، دیپلماسی و تبادل فرهنگی و گردشگری میراث «واقعی» می‌شود. این‌ها ابتکاراتی هستند که یا از طریق دیپلمات‌های فرهنگی و گردشگری حزب‌الله اجرا می‌شوند، یا توسط دفتر فرهنگی ایران در لبنان - که توسط سازمان‌های فرهنگ و روابط اسلامی^۱ اداره می‌شود. در مقایسه با شورای بریتانیا یا مؤسسه کنفوسیوس، این سازمان به‌عنوان بازوی دیپلماسی فرهنگی ایران عمل می‌کند. این وزارتخانه جدا از وزارت امور خارجه (که سفیران و کارکنان سفارت را به کار می‌گیرند)، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گزارش می‌دهد و رئیس آن با پیشنهاد وزیر فرهنگ منصوب می‌شود. سازمان فرهنگ و روابط اسلامی در لبنان حضور فعال دارد. این عملکرد

¹ ICRO

نشأت گرفته از پیوندهای دیرینه ایران با شیعیان لبنان است و از طریق اهداف مشترک ترویج نوعی «فرهنگ مقاومت» برای مبارزه با اسرائیل و ایالات متحده و اخیراً تهدیدی که توسط گروه‌هایی مانند داعش ایجاد شده است، بیشتر شده است. رویدادها و نمایشگاه‌های فرهنگی با هدف جامعه شیعی لبنان و مهاجران ایرانی، حول محور مقاومت است و شامل نمایشگاه‌هایی از هنر «انقلابی» و «مقاومت»، در میان دیگر رویدادهای فرهنگی متنوع است. محمدمهدی شریعتمدار وابسته فرهنگی ایران در بیروت در پاسخ به این سؤال که هنر و فرهنگ در این محور چه نقشی دارند، خاطرنشان کرد: «هنر و ادبیات مقاومت می‌تواند در استحکام نهضت مقاومت، ثبت پیروزی‌ها و دستاوردهای آن، نقد موفقیت‌ها و شکست‌ها و بیان خلاقانه اهداف مقاومت به افکار عمومی نقش بسزایی داشته باشد» (En, mehrnews, 2015).

سازمان‌های شبه دولتی ایران مانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به مدیریت همکاری فرهنگی بین ایران و شرکای آن در لبنان کمک می‌کنند. بیان مهم این امر نه تنها در کار تولید فرهنگی پیرامون مضامین مشترک و مرتبط با مقاومت، بلکه در شیوه‌ای که فضاهای یادبود به‌عنوان تجلی فیزیکی چنین اهدافی توسعه یافته‌اند نیز یافت می‌شود. همان‌طور که ابن خلدون، آرنه و دیگران تصدیق می‌کنند، جوامع بر اساس ارزش‌های هنجاری نظم یافته و مجموعه‌ای از اصول را بیان می‌کنند که از طریق آنها با جهان مرتبط می‌شوند. دو پروژه‌ای که در زیر به آن‌ها اشاره شده است، نشان می‌دهد که چگونه ایده‌های مقاومت به پروژه‌هایی منتقل می‌شود که بازنمایی فضایی از بینش نظم محور را ارائه می‌دهد و سپس به‌عنوان ابزاری برای بازتولید این روایت در بین بازدیدکنندگان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این دو پروژه راه‌هایی را برجسته می‌کنند که در آن بینش‌های مشترک نظم از مرزهای فضایی - و وستفالیایی - می‌گذرد و به خوانش ظریف‌تری از نوموس اشاره می‌کند که استثنا و قدرت مادی را با ایده‌آل ادغام می‌کند.

۴-۱-۱- پارک ایرانیان

اولین نمونه چیزی که در این مقاله از آن به‌عنوان «محل مقاومت» یاد می‌کنیم، «پارک ایرانی» است. این سایت خارج از شهر مارون الراس در مرز با اسرائیل واقع شده است. این پارک که در فاصله ۴۰۰ متری از حصار مرزی قرار دارد، نمونه‌ای خارق‌العاده از بزرگی فراسرزمینی ایران است. مارون الراس محل نبردهای کلیدی بین نیروهای مقاومت و اسرائیل در جنگ ۲۰۰۶ بود و بنابراین

انتخاب مکان پارک تصادفی نیست. در اینجا، نه تنها به عنوان یک چالش مستقیم و آشکار به ویژه برای اسرائیل در یک منطقه حساس عمل می کند، بلکه به عنوان بیانی از دیدگاه ایران و محور گسترده تر نظم منطقه ای است که در آن مقاومت در برابر اسرائیل به عنوان عامل اصلی شکل دهنده در توسعه رابطه اولیه ایران و حزب الله عمل می کند. این پارک با حمایت مالی کمیته ایرانی بازسازی جنوب لبنان ساخته شده است و توسط محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور وقت ایران، به عنوان هدیه به مردم جنوب لبنان، در سفرش به جنوب لبنان در سال ۲۰۱۰ افتتاح شد. به گفته شهردار این شهر، پارک فرصتی را برای مردم فراهم می کند تا حمایت مادی و معنوی خود را از مقاومت، مخاطبان و مردم آن ارائه دهند (مشرق نیوز، ۱۳۹۲). این پارک دارای سکوهایی دید مجزا است که هر کدام مربوط به یکی از استان های خاص ایران است. هر بخش حاوی تابلوهای اعلانات با اطلاعات مربوط به استان مربوطه است. به این ترتیب می توانید در خوزستان یا مثلاً استان مرکزی با دید مستقیم به «خاک دشمن» بنشینید. بازنمایی های ایران در این مکان حساس تنها به ویژگی های ژئوداری آن محدود نمی شود. پرچم های ایران به برج های دیده بانی که به سبک نظامی است و بازدیدکنندگان می توانند از آن ها بالا بروند، زینت می دهد و با وجود یک سالن ورزشی در فضای باز که به رنگ های پرچم ایران مزین شده است، در کنار هم قرار گرفته اند. یکی از نمادین ترین ویژگی های پارک ایرانی، ماکت قبه الصخره قدس است که در مرکز توجه قرار گرفته است. این ساختمان در حالی که بی تردید ادای احترامی به یکی از مهم ترین ساختمان های اسلام و نمادی از مبارزات فلسطینی ها است، در اینجا به سبکی کاملاً ایرانی بازسازی شده است. از این رو می توان کاشی کاری ایرانی را در نمای آن زینت داد و پرچم ایران را با افتخار بر بام آن به اهتزاز درآورد. با این حال، قطعه ای مقاومت، کتیبه ی خوشنویسی «الله» است که از پرچم ایران بر روی کاشی کاری سمت رو به اسرائیل نوشته شده است. بازتولید این سایت نمادین که قرار است به وضوح از طرف اسرائیل قابل مشاهده باشد، یادآور نفوذ فراملی ایران در منطقه و هشدار ضمني به دشمن اسرائیلی آن است.

این پارک همچنین دارای امکاناتی است که به طور منظم توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حزب الله و گروه های آوارگان فلسطینی در لبنان برای رویدادهای فرهنگی و هنری استفاده می شود؛ بنابراین، اینجا، در مرز با اسرائیل، نمایشگاه هایی با مضمون مقاومت از هنرمندان محلی و یادبود نبردهای لبنان و فلسطین علیه اشغالگری اسرائیل را می توانیم مشاهده کنیم. برای این سازمان،

منظور از فراهم کردن چنین فضایی برای حمایت از پروژه‌هایی است که بر مقاومت، دفاع از عدالت و آزادی در مقابل اشغال، تروریسم و تجاوز رژیم صهیونیستی تأکید دارند. این پارک همچنین حاوی چندین مجسمه از شخصیت‌های ادبی و انقلابی ایران، از جمله مجسمه نیم تنه، وابسته فرهنگی سابق ایران، ابراهیم انصاری است که در حمله انتحاری گردان‌های عبدالله عزام وابسته به القاعده به مرکز فرهنگی ایران در بیروت در سال ۲۰۱۳ شهید شد. این پارک همچنین دارای لوح یادبود حسام خوشنویس، رئیس کمیته ایرانی برای بازسازی جنوب لبنان است که البته نقش کلیدی هم در ایجاد پارک داشت. خوشنویس در حمله مشکوک اسرائیل به اهداف ایرانی در سوریه در سال ۲۰۱۳ کشته شد و متعاقباً مراسم بزرگداشتی در پارک برای وی برگزار شد. در سوی از پارک نیز پرچم فلسطین به گونه‌ای که به سمت اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی باشد نیز وجود دارد (Alagha, 2016: 43). بنابراین به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت حضور ایران در لبنان و برای به چالش کشیدن اسرائیل، مقامات بازدیدکننده از ایران اغلب به پارک ایرانی برده می‌شوند، جایی که می‌توانند روی یکی از چندین برج مراقبت بایستند و در اعماق خاک اسرائیل را نگاه کنند. چنین دیدارهایی شامل دیدار حداد عادل، رئیس سابق مجلس ایران و ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور کنونی ایران بوده است. همچنین، سایر چهره‌های متحد با محور مقاومت نیز در بازدید از لبنان از پارک بازدید می‌کنند، از جمله شهید ابومهدی المهندس، رهبر سابق حزب مسلم خلق عراق. این پارک نکات بسیاری را در مورد اینکه چگونه دیدگاه‌های نظم از مرزهای کشوری عبور می‌کنند و بازتولید می‌شوند و در زمینه‌های مختلف واقعی می‌شوند، آشکار می‌کند. تجلی این بینش نظم و مقاومت - که در اصل در ایران بیان شد و در جنوب لبنان وجود داشت - تأثیر متقابل بین امر فراملی و محلی را در فرآیند واقعی سازی برجسته می‌کند. علاوه بر این، امکان تداوم تعلقات اشتراکی را با وجود تفاوت‌های جغرافیایی فراهم می‌کند.

۴-۱-۲- یادبود مقاومت حزب الله

مثال فوق که از ابراز مخالفت ایران با نظم حاکم است، از طریق استفاده از مصنوعات نمادین در فضای فیزیکی پارک ایرانی در مرز اسرائیل آشکار شده است، نشان دهنده بخش اعظمی از تلاش ایران برای ترویج فرهنگ مقاومت از طریق طیفی از خروجی‌های فرهنگی که توسط متحدین به‌ویژه حزب الله است. موضوع مشترکی که کار تولید فرهنگی بازیگران مختلف محور مقاومت را به هم

پیوند می‌دهد، ایده مصلحت (مصلح یا مصلحت عمومی) است که توسط امامین خمینی و خامنه‌ای تفسیر شده است. همان‌طور که متفکران در کارهای خود در مورد برون دادهای فرهنگی مختلف حزب‌الله تأکید داشته‌اند، مصالح در این تعبیر بسیار با مقاومت و مبارزه سیاسی پیوند خورده است، بنابراین همه هنرها را «هنر مقاومت» می‌سازد. رسالت بازوی تولید فرهنگی حزب‌الله، در همین راستا انجام می‌شود و ایجاد آن بر اساس نیاز به ترویج جبهه فرهنگی مقاومت به‌خوبی مدیریت شده است. این بخشی از مأموریت گسترده‌تر حزب‌الله برای سرپرستی و مدیریت چیزی است که حرب و دیب از آن به‌عنوان محیطی اسلامی برای اوقات فراغت مسلمانان (شیعی) در لبنان یاد می‌کنند، اگرچه همان‌طور که در زیر اشاره می‌کنیم، حزب‌الله آگاه است که در مورد عنصر مذهبی زیاد اغراق نکند (Harb and Deeb, 2011: 23).

ملیتا یک موزه مقاومت در هوای آزاد است که توسط حزب‌الله ساخته شده است تا داستان مقاومت را روایت کند. الحبری بیان می‌کند که موزه به بازدیدکنندگان فرصتی برای به اشتراک گذاشتن تجربه نبرد چریکی از طریق یادآوری فضایی که قبلاً پنهان بود، ارائه می‌کند. در ملیتا همانند پارک ایرانی، تمرکز بر مقاومت در برابر اسرائیل است، اما نقش نمادین مهم‌تری را برای جنبش مقاومت ایفا می‌کند. بزرگان ایرانی و سایر محورها نیز از بازدیدکنندگان دائمی این موزه هستند. شیخ علی دهر، رئیس مدتی رسالت و سازمان گردشگری و میراث حزب‌الله، توضیح داد که این ایده پس از عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ متولد شد و این ایده از یک منشأ گرفته شده است، آن هم نیاز به گفتن داستان واقعی مقاومت، برای مقابله با روایت غرب که حزب‌الله یک گروه تروریستی است. بحث‌های زیادی در حزب‌الله در مورد نوع مخاطبان این موزه وجود داشت. یکی از دیدگاه‌ها این بود که آن را برای مخاطبان محلی تر حفظ کنیم. این یک فکر ساده بود که می‌توانست مخاطبان خود را داشته باشد. اما منطق این بود که باید پیام مقاومت در برابر اسرائیل به‌طور گسترده پخش شود نه فقط به‌صورت محلی و در مخاطبانی خاص (Alagha, 2011: 175). بنابراین درنهایت دیدگاه دوم پیروز شد و موزه تبدیل به یک پروژه ملی با جذابیت بین‌المللی شد. بدین خاطر پیروی از سبک‌های معماری مدرن برای جذب مخاطبان بین‌المللی که از لبنان بازدید می‌کنند، مهم بود. به این ترتیب، پروژه تمام شده موزه بر عنصر لبنانی / ملی مقاومت تأکید داشت و مهم بود که نشان داده شود این فقط پیروزی حزب‌الله نیست، بلکه پیروزی کل ملت لبنان است.

درواقع، در زمان بازدید، به غیر از فروشگاه موزه، بازدیدکنندگان عبارات آشکار یا مذهبی مبنی بر وفاداری به حزب‌الله و مقاومت را نمی‌بینند - همان‌طور که شیخ علی توضیح داده است: «ما ترجیح دادیم در اینجا خیلی آشکارا پیام مذهبی نداشته باشیم، زیرا این یک مقاومت ملی بود. البته برای ما [شیعیان لبنان] یک هسته مذهبی قوی برای مقاومت ما وجود دارد، اما مبارزه در مجموع ملی بود. درواقع، همان‌طور که لارکین و پری دیویس اشاره کرده‌اند، موزه با انجام این کار تلاش می‌کند میراث یک جنگ داخلی ویرانگر و از هم گسیخته را با یک مبارزه آزادی‌بخش پیروزمندانه علیه اسرائیل جایجا کند» (Larkin and Davies, 2021: 98).

این موزه در اطراف یک آمفی تئاتر در فضای غرق شده به نام پرتگاه قرار دارد که غنایم پیروزی‌های نظامی مقاومت علیه نیروهای اسرائیلی در آن قرار گرفته است. یک تانک مرکاوا نیروی دفاعی اسرائیل اسیر شده با لوله تفنگ در موزه قرار دارد که به‌صورت نمادین و گره خورده در آن قرار گرفته است که نشان از ناتوانی اسرائیل دارد. همچنین حاوی نوشته‌های مخروبه‌ای به زبان عبری است که برای دیده شدن از هوا طراحی شده است، چیزی که الحبری آن را نوعی تسخیر عمودی توصیف می‌کند که برای نظارت هوایی دشمن طراحی شده است. در سراسر محوطه، نمونه‌های مختلفی از تجهیزات نظامی وجود دارد که در نبرد با اشغالگری اسرائیل در جنوب لبنان مورد استفاده قرار گرفت. این موزه در تلاش برای ایجاد نوعی گردشگری مقاومتی است و امید آن‌ها برای داشتن تعدادی پایگاه مقاومت در سراسر کشور است. به‌عنوان بخشی از این تلاش، آن‌ها می‌خواهند در سطح بین‌المللی بیشتر همکاری کنند، اما به دلیل دیدگاه متحدان غربی و عرب نسبت به حزب‌الله این امر دشوار است. تلاش‌ها برای گسترش جذابیت موزه فراتر از حوزه اصلی آن در نسبت بازدیدکنندگان ثابت می‌شود، به‌طوری که بیش از نیمی از نزدیک به دو میلیون بازدیدکننده آن تا به امروز غیر لبنانی هستند و ۲۵ درصد از بازدیدکنندگان از کشورهای «غربی» بوده‌اند. بخشی از این تلاش برای نمایش مقاومت ناشی از مفاهیم دینی عدالت و مبارزه با ظلم است که در سراسر محور طنین‌انداز می‌شود. شیخ علی برخلاف موفقیت‌های مادی و نظامی که داشت، می‌خواست تأکید کند که مقاومت بُعد معنوی دارد و مقاومت اخلاقی و معنوی درواقع از هر نوع تلاش نظامی بیشتر است. برای شیخ علی: «فرهنگ مقاومت از امام حسین سرچشمه می‌گیرد، او بود که فرهنگ مقاومت را کاشت و ما ثمره اندیشه‌های او هستیم [و] از او جهان می‌آموزد که چگونه ضعیف می‌تواند قوی را

شکست دهد. این میراث شاید مشخصه تعیین کننده فرهنگ مقاومت باشد. این تروریسم نیست، بلکه یک مبارزه واقعی و دفاعی علیه ظلم است» (Interview with Sheikh Ali Daher, 2015).

ملیتا نیز مانند پارک ایرانی، به عنوان مکانی برای گردهمایی علما، هنرمندان و سیاستمداران متحد مقاومت عمل می کند تا در مراسم بزرگداشتی مانند روز قدس، مراسم بزرگداشتی که توسط آیت الله خمینی^(ره) پس از انقلاب ایران افتتاح شد، شرکت کنند. این پیوند فراملی وقتی مهم است که موزه ملیتا را به عنوان بیانی از نوموس مقاومت، فضایی سازی و واقعی سازی چشم اندازی از نظم ارائه شده علیه اسرائیل در نظر بگیریم. در اینجا، ما می توانیم ببینیم که این کارکرد مهمی در آنچه هارب و دیب (۲۰۱۱) نیز به عنوان جنگ فراملی خاطره و تاریخ توصیف می کنند دارد و کتیبه ای از تاریخ مقاومت است که در سطح جهانی به عنوان تاریخ سرکوب شده در برابر گفتمانها و تاریخ صهیونیستی مورد حمایت آمریکا و اسرائیل است.

نتیجه گیری

پارک ایرانی و موزه ملیتا، اگرچه دارای تأکیدات متفاوتی هستند، اما هر دو بیان ملموسی از نام محور مقاومت ارائه می دهند. زمینه فضایی این روایت به آنها اجازه می دهد که واقعی شوند و در این فرآیند، فراتر از ارتباط کلامی توسط مردم قابل درک باشند. ساخت این فضاها به آنها اجازه می دهد تا به مفصل های فیزیکی محور مقاومت تبدیل شوند - نوموسی که با چشم اندازی از اینکه نظم منطقه ای باید به نظر برسد - که در آن مضامین می توانند کاوش، بیان و تقویت شوند. این امر در توسعه این دو مرکز و فضایی شدن پارک ایرانی که در آن نوموس محور واقعی می شود به چشم می خورد. این کمک می کند تا درک بهتری از نحوه درک و بیان نظم منطقه ای داشته باشیم. در حالی که پذیرای ابزارهای مفهومی هستیم که در طول تاریخ برای توضیح نظم منطقه ای در خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفته اند، اما ادعای ما این است که نوموس، همان طور که در این زمینه به کار می رود، می تواند منشور مفهومی دیگری برای کمک به این درک باشد، به ویژه در کشورهایی که از نظر مادی در وضعیت پایینی هستند. استفاده از تولیدات فرهنگی، از جمله نمایشگاه های هنری، در هر دو مکان برای تأکید بر روایت مقاومت، به گونه ای چارچوب بندی شده است که واحدهای

متمایز را حول یک موضوع مشترک، یعنی یک نام مشترک، متحد کند. برخلاف سایر رویکردها، استفاده از مفهوم نوموس امکان تعامل وجودی بیشتری را با چشم‌انداز نظم و روش‌هایی که در آن عضویت گروه در طول زمان و مکان شکل می‌گیرد، می‌دهد. حرکت فراتر از درک متعارف محور - که معمولاً بر درک مادی یا ایده‌ای از ساخت اتحاد متکی است - برای درک مداوم آن و روش‌هایی که در آن در زمان و مکان بازتولید می‌شود، مهم است. این ایده از نوموس درک تحلیلی بیشتری را در مورد روش‌هایی که در آن بینش مشترک از جهان در طول زمان و مکان ایجاد می‌شود، امکان‌پذیر می‌سازد. در ایجاد و تقویت این نام، ایران و حزب‌الله (به‌ویژه) به دنبال تضمین انسجام جمعی و حفظ موقعیت خود در جهان هستند.

منابع و مأخذ

- آذرخواه، ایرج و صفری، مهدی. (۱۳۹۲). مفهوم قانون در اندیشه سیاسی یونان باستان گذر از ثسموس به نوموس. *متافیزیک*، ۵ (۱۶)، ۷۲-۵۱.
- خواجه سروری، غلامرضا و سوری، فاطمه. (۱۴۰۱). جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت و شکل‌دهی نظم منطقه‌ای غرب آسیا. *محیط‌شناسی راهبردی ج.ا. ایران*، ۶ (۲)، ۳۹-۶۴.
- داوند، محمد. اسلامی، محسن و داوند، حجت. (۱۳۹۷). تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه مقاومت اسلامی در غرب آسیا. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۷ (۲۵)، ۹۹-۷۹.
- سنگدهی، زهرا. (۱۳۹۶). فوسیس و نوموس در افلاطون. *پژوهش‌های فلسفی*، ۱ (۲۰)، ۳۱۰-۲۸۳.
- عباسی، مجید و محمود زاده، فاطمه. (۱۴۰۱). تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا. *مطالعات دفاع مقدس*، ۸ (۲)، ۱۳۴-۱۱۵.
- وزیریان، امیرحسین. گل محمدی، ولی و علیزاده، علی. (۱۴۰۰). ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهم‌تراز ایران در برابر سیاست مهار آمریکا. *راهبرد دفاعی*، ۱۹ (۷۴)، ۸۷-۱۱۴.
- Alagha, J. (2011). *Pious Entertainment: Hizbullah's Islamic Cultural Sphere in Muslim rap, halal soaps, and revolutionary theatre: Artistic developments in the Muslim world*, ed. K. van Nieuwkerk (Austin: University of Texas Press).
- Alagha, J. (2016). 'Shi'a discourses on performing arts: maslaha and cultural politics in Lebanon. in *Islam and popular culture*, eds. K. van Nieuwkerk, M. Levine, and M. Stokes Austin: University of Texas Press.
- Arendt, H. (1998). *The Human Condition*. Chicago: Chicago University Press.

- Beck, M., Thomas, R. (2020). Fluctuating Regional (Dis-)Order in the Post- Arab Uprising Middle East. *Global Policy*, 11, no. 1.
- Goodarzi, J.M. (2009). Syria and Iran: Diplomatic Alliance and Power Politics in the Middle East London: I.B. Tauris.
- Harb, M., Lara, D. (2011). Culture as History and Landscape: Hizbullah's efforts to shape the Islamic Milieu in Lebanon. *Arab Studies Journal*, 19, no. 1 (2011).
- Larkin, C., Ella P.D. (2021). War Museums in Post-War Lebanon: Memory, Violence, and Performance. *Nationalism and Ethnic Politics*, 25, no. 1.
- Mabon, S. (2023). The Struggle for Supremacy: Saudi Arabia and Iran .Cambridge: Cambridge University Press.
- Malmvig, H. (2015). Coming in from the Cold: How we may take sectarian identity politics seriously in the Middle East without playing to the tunes of regional power elites. *POMEPS Studies*, 16.
- Saad, A. (2019). Challenging the sponsor-proxy model: the Iran–Hizbullah relationship. *Global Discourse*, 9, no. 4.
- Schmitt, C. (2003). The nomos of the earth, Trans. *GL Ulmen*. New York: Telos Press, Vol 2.3.
- Wastnidge, E., Simon, M. (2023). The resistance axis and regional order in the Middle East: nomos, space, and normative alternatives. *BRITISH JOURNAL OF MIDDLE EASTERN STUDIES*
<https://doi.org/10.1080/13530194.2023.2179975>.